

معرفی کتاب منتشر نشده تحف القلوب بررسی نسخ خطی موجود

محمدسعید دانشور^۱

چکیده

مقاله حاضر به معرفی کتابی می‌پردازد که حاوی اشعاری است غالباً در قالب مثنوی. شاعر آن سیدابراهیم سیدخلیل قتالی شاعری است از جنوب ایران که در این کتاب شجره‌نامه^۲ سلسله سادات منسوب به قتالی را که از بزرگ‌ترین طایفه سادات جنوب فارس و هرمزگان هستند به نظم درآورده و در ضمن آن اشعاری نغز و زیبا به اقتضای حال در شرح برخی از مقامات و رموز عرفانی بیان داشته و به تفسیر و تحلیل آن و بیان دیدگاه خود در خصوص آنها می‌پردازد. شاعر علاوه بر سرودن در قالب مثنوی که غالب اشعار کتاب را در بر دارد در قالب‌های دیگر شعری از جمله قصیده، غزل، مخمس، مرثیه، دوبیتی، لغز و چیستان نیز هنرنمایی کرده‌است. این کتاب از این حیث که شجره‌نامه‌ای منظوم است و تاکنون نیز به چاپ نرسیده حائز اهمیت است. جهت نگارش این مقاله دو جلد از سه جلد نسخه خطی کتاب که در دسترس بوده مورد بررسی قرار گرفته و شیوه تحقیق نیز کتابخانه‌ای و بر اساس فیش‌نویسی و نیز تحقیق میدانی و مصاحبه با افراد مطلع بوده‌است.

کلیدواژه‌ها: سادات قتالی، شاه سیف‌الله قتال، سید ابراهیم سیدخلیل، شجره‌نامه، مثنوی

۱- مقدمه:

علم‌الانساب و شجره‌نامه‌نویسی اقوام و قبایل مختلف از جمله دانش‌هایی است که از دیرباز مورد توجه اهالی علم بوده- است تا جایی که افرادی سال‌های عمر خود را صرف شناخت انساب اقوام و قبایل مختلف می‌نموده‌اند. کتابی که در این مجال معرفی می‌گردد از دو جنبه حایز اهمیت است: اول این‌که این کتاب شامل اشعاری است در ذکر انساب و شجره طایفه‌ای بزرگ که به سادات قتالی معروفند و دو دیگر اینکه این کتاب تاکنون به زیور چاپ آراسته نگشته و منبع نگارنده در این تحقیق نسخه‌های خطی به دست آمده از این کتاب می‌باشد.

بدیهی است که هریک از این دو ویژگی خود به تنهایی کافی است که بهانه‌ای باشد جهت پرداختن بیشتر به این کتاب و کتب مشابه در زمینه شجره‌نامه‌های منظوم که یقیناً قسمتی از تاریخ ادبیات کهن این مرزوبوم می‌باشد؛ این مقاله

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی محض دانشگاه آزاد اسلامی واحد جهرم، maide_49@yahoo.com

^۲ شجره‌نامه یا شجره‌النسب یا نسب‌نامه کتابی است که در آن نام جد اعلی تا بقیه ذکر شود. (لغت‌نامه دهخدا)

در راستای این هدف تنظیم گشته که ضمن معرفی این اثر زمینه کاوش و معرفی سایر نسخ خطی در موضوع شجره‌نامه- نویسی فراهم گردد.

منطقه جنوب ایران به خصوص فارس گنجینه‌ای بکر از آثار خطی و نسخ نادر و کمیاب است که اگر چه در سالیان اخیر تلاش‌هایی از جانب محققان و پژوهش‌گران در جهت معرفی آن‌ها صورت گرفته لیکن به نظر می‌رسد این تلاش‌ها کافی نبوده و هم‌متی بزرگ را می‌طلبد. متأسفانه در خصوص معرفی این کتاب و صاحب اثر آن نیز تاکنون تلاش خاصی صورت نگرفته و اگر ذکری هم از این کتاب در سایر کتب و مقالات آمده تنها به بیان نام کتاب و نویسنده آن و یا ذکر قسمت‌های مختصری از متن به عنوان مرجع بسنده شده‌است.

تاریخ بنی عباسیان بستک نوشته محمد اعظم خان بستکی، مطلبی تحت عنوان معرفی کتاب منظوم سادات از محمدنور بخشایش در صفحات پایانی دیوان محیا، کتاب جغرافیای تاریخی کاریان اثر کرامت‌الله تقوی و نیز مقاله‌ای از سید عبدالباعث قتالی در وب سایت تبیان را می‌توان به عنوان پیشینه تحقیق در این موضوع عنوان نمود. شیوه تحقیق در این مقاله به روش تحقیق میدانی، مصاحبه با افراد و نیز کتابخانه‌ای و بر اساس روش فیش نویسی بوده‌است.

2- معرفی کتاب

کتاب تحف‌القلوب منظومه‌ای است در حدود پانزده هزار بیت^۱ که غالب آن در قالب مثنوی در بحر رمل مسدس محذوف (فاعلاتن، فاعلاتن، فاعلن) توسط شخصی به نام سیدابراهیم سیدخلیل از سادات قتالی جنوب فارس در فاصله سال‌های ۱۲۴۸ تا ۱۲۶۰ هجری قمری سروده شده‌است. شاعر این مجموعه سیدابراهیم سیدخلیل بنابر اظهارات خود شاعر در فصل ششم دیوان خود در سال ۱۲۲۶ ه.ق در روستای کال^۲ متولد شد. وی از سادات قتالی این روستا بوده و بعد از هفت نسل به شاعر دوبیتی‌سرای معروف جنوب سیدمحبی‌الدین قتالی متخلص به محیا^۳ می‌رسد. سیدابراهیم علاوه بر شجره‌نامه منظوم سادات، بنا بر اظهارات خود سفرنامه‌ای منظوم نیز دارد. از سروده‌هایش چنین برمی‌آید که مانند سلف صالح خود به سیر آفاق و انفس پرداخته، مسافرت‌های بسیاری داشته و افراد متعددی را ملاقات نموده، به رموز عرفان آگاه بوده‌است. وی در ابتدای کار از طبع شعری بی‌بهره بوده اما با اشاره پیری در عالم خواب صاحب طبع شده و قبل از سی سالگی به سرودن و نظم این مثنوی می‌پردازد.

از غور و بررسی در اشعار این مجموعه این نتیجه حاصل می‌شود که این منظومه سه جلدی بوده که بخش اعظم آن به زندگی و شرح احوال سید محمد عمر شاه سیف‌الله قتال جد بزرگ سادات قتالی که در گوشه و کنار عالم بخصوص

۱- شاعر در فصل هفتم کتاب تعداد ابیات را ذکر کرده:

بیت این پانزده هزار است بر شمار
گر به مصراعش شماری سی هزار

۲- روستای کال در حال حاضر روستایی از بخش اشکنان شهرستان لامرد در جنوب استان فارس

۳- سید محی‌الدین بن تاج‌الدین منصور از سادات قتالی متخلص به محیا در فاصله سال‌های ۱۰۰۵ تا ۱۰۱۰ در شهر عمادده، واقع در بخش صحرای باغ لارستان فارس دیده به جهان گشود. وی از دوبیتی‌سرایان معروف جنوب است که دوبیتی‌های نغزی دارد اشعارش به صورت شروه ورد زبان مردم منطقه است. مزار وی در روستای کال قرار دارد.

مجموعه دوبیتی‌های او تاکنون دوبار به چاپ رسیده است: ۱- در سال ۱۳۷۰ با کوشش احمد حبیبی ۲- در سال ۱۳۷۳ با کوشش محمدنور بخشایش

جنوب ایران پراکنده‌اند مربوط می‌شود که شاعر نیز به سه جلدی بودن منظومه خود در فصل هفتم کتاب اشاره دارد:

فارغ از تحریر این نسخه سیوم
در ربیع آخر شدم از هفدهم

سال تولد حضرت قتال را که عمده مطالب این منظومه راجع به شرح احوال و اقوال وی و نیز ذکر نام فرزندان و اولاد ایشان تا روزگار مؤلف می‌باشد بعضی روز پنجشنبه از ماه جمادی‌الاول سال ۵۷۸ هجری در روستای ام عبیده بغداد می‌دانند وی در روز دوشنبه بیستم ماه ذی‌الحجه سال ۶۷۷ هجری قمری بدرو حیات می‌گوید مزارش در شهر عمادده^۱ که آن زمان روستایی بیش نبوده قرار دارد.

اجداد شاه سیف‌الله قتال که نسباً حسینی و سبباً حسنی و از طرف مادر به شیخ عبدالقادر گیلانی می‌رسد طریقت قادری را پیروی کرده و نسل به نسل به ارشاد و هدایت مردم می‌پرداخته‌اند. در اواخر قرن ششم یا اوایل قرن هفتم سید نعیم‌الدین و بعد فرزند وی سید معلی پدر شاه سیف‌الله قتال که شیخ طریقت بود به رحمت حق پیوست. مریدان او که چندین هزار نفر بودند به دو فرقه تقسیم شدند عده‌ای پیرو طریقت سید تاج‌الدین منصور^۲ برادر سید معلی و عموی شاه سیف‌الله قتال شدند و عده‌ای دیگر پیرو شاه سیف‌الله قتال گردیده او را جانشین پدر دانسته‌اند. این دو دسته که مریدان برادر و برادرزاده بودند با وجودی که طریقت واحدی را پیروی می‌کردند مع‌هذا اختلاف و کدورتی بین آنان ایجاد گشته که روی این اصل سید تاج‌الدین منصور برای رفع اختلاف، برادرزاده خود قتال را بالاکراه به ترک بغداد مجبور می‌کند؛ اگرچه قتال از دوری وطن اصلی ناراضی بود ولی با تقاضای عموی خود موافقت کرده بغداد را به مقصد جنوب ایران ترک می‌کند.^۳ از این مجموعه سه جلدی در حال حاضر دو جلد آن (جلد اول و سوم) در دسترس نگارنده می‌باشد که از دو منبع مختلف به دست آمده و جلد دوم آن چنان که ذکرش رفت مربوط به شرح حال و گزارش سفر و کرامات شاه سیف‌الله قتال می‌باشد که متأسفانه با وجود تلاش بسیار اثری از آن به دست نیامد.

۱-۲- گزارش جلد اول

جلد اول این مجموعه در قطع وزیری در ابعاد ۱۷.۵ × ۲۵ سانتی‌متر می‌باشد که متأسفانه صفحات آغازین و پایانی آن از بین رفته است. اکثر صفحات دارای ۲۴ بیت می‌باشد که ۱۴ بیت آن در قسمت متن و تعداد ۱۰ بیت آن به صورت مورب در قسمت بالا و پایین و در صفحات زوج در حاشیه سمت چپ و در صفحات فرد در حاشیه سمت راست نگاشته شده؛ موضوعات به رنگ قرمز و اشعار متن به رنگ مشکی به خط نستعلیق به نگارش درآمده‌اند. آن چه از ابتدای جلد اول این مثنوی مبارک در دست است با این ابیات شروع می‌شود که به نظر می‌رسد در وصف تجلی پرتو جمال معشوق ازلی بر کاینات می‌باشد.

لمعای زان بر رخ مشعل فروخت	زین شرر پروانه بیخود گشت و سوخت
خور از آن لمعه رخس تابنده گشت	زین شرر نیلوفرش سرگشته گشت
از جبین ماه کنعان زد چو سر	شد زلیخا جان وی زیر و زبر
وان تجلی در رخ لیلی نمود	پس دل مجنون به آن لیلی ربود

۱- شهر عمادده مرکز بخش صحرای باغ از بخش‌های لارستان فارس

۲- سید تاج‌الدین منصور عموی شاه سیف‌الله قتال بعدها در حالت نابینایی از بغداد به دنبال برادرزاده‌اش به ایران آمده و در جویم یکی از شهرهای استان فارس فوت می‌کند مزارش در این شهر قرار دارد.

۳- بنی عباسیان، محمد اعظم. (۱۳۳۹). تاریخ جهانگیریه و بستک. تهران: [بی‌نا]

این منظومه با طرح مباحث عرفانی و تفسیرهای ذوقی آیات و احادیث شروع شده و قبل از بیان سبب نظم کتاب و مختصری درباره فصول آن؛ صفحات اولیه را به طرح مسایل عرفانی و شرح و تفسیر آنها اختصاص داده شاید یکی از زیباترین ابیات این قسمت در شرح حدیث قدسی: من طلبنی وجدنی و من وجدنی عرفنی و من عرفنی عشقنی و من عشقنی فاقتله و من قتله فانا دیته می‌باشد:

گفته در قدسی حدیثی قدس رب	من بیابد هر که من سازد طلب
هر که من یابد شود عارف ز صدق	هر که عاشق شد خورد او تیر عشق
چون که تیر عشق من بر وی رسید	پس به تیر عشق من گردد شهید
چون که او مقتول و من قاتل شدم	پس دیه او بی گمانی من خودم
خه خه از این عشق و این رفتار عشق	میکند خاکی چنین گلزار، عشق
حبّذا زین عشق و بخ بخ زین شرر	کآن چنان از عاشقان افکنده سر

مناجات به درگاه قاضی الحاجات، نعمت نبی مکرم اسلام (ص) و اهل بیت بزرگوار^(ع) از جمله موضوعاتی است که در پی می‌آید، سپس شاعر به بیان سبب نظم کتاب می‌پردازد: -۱۳- ۱۵ شهریور ۹۲

فاش گو از مقصد خود رو متاب	که سبب چه بود در این نظم کتاب
مخ مطلب ذکر شاهنشاه دین	شهبسوار عرصه حق الیقین
شاه سیف‌الله قتال مهین	قدس‌الله سره سلطان دین

شاعر در ادامه این ابیات اظهار می‌دارد که این مثنوی را به اشاره پیری از اولاد آن حضرت سروده و در ادامه بیان می‌کند که اگر چه پیش از این نیز ذکر احوال و شجره شاه سیف‌الله قتال و اولاد و احفاد آن جناب در کتاب تذکره‌المحبین^۱ توسط سیدعلی بن سیدحمیدی تا روزگار مولف به زیور نثر آراسته‌گشته و نیز سید محیی‌الدین متخلص به محیا از دوبیتی سرایان معروف جنوب نیز تا روزگار خود آن تذکره را بازنویسی و تکمیل نموده اما به جهت اینکه بعد از آخرین بازنویسی تا روزگار سیدابراهیم سیدخلیل شجره آن حضرت تکمیل نشده، چنان که اشاره رفت شاعر این مجموعه به اشاره پیری از اولاد آن حضرت جهت جلوگیری از فراموشی انساب سادات قتالی به بازنویسی کتاب منثور تذکره‌المحبین البته به نظم همت گماشته و نیز آن را تا روزگار خود تکمیل می‌کند.

علاوه بر کتاب منثور فوق که به عنوان دست‌مایه اصلی شاعر در سرودن این منظومه بوده وی از منابع دیگری نیز نام برده که مورد استفاده قرار داده‌است از جمله: کتابی به نام بهجه که در آن شرح حال حضرت قتال و نیز احوال شیخ احمد رفاعی کبیر در آن آمده‌است؛ کتاب تحف‌الراغبین که تذکره نثری بوده از شخصی به نام سیدزین‌الدین علی ثانی بن حمدی و کتاب‌های نسابه و سفینه اولیاء که نویسنده هر دو کتاب نامعلوم است.^۲

۱- تذکره‌المحبین یا تذکره تحف‌المحبین اثر شخصی است به نام سید علی بن حمدی که در سال‌های آغازین قرن یازدهم ه.ق می‌زیسته و شرح حال شاه قتال و اخلاق او را در آن نگاشته این تذکره بعدها به دست سید محیی‌الدین شاعر اصلاح و تکمیل می‌گردد و سپس در سال ۱۲۴۸ به عنوان دست‌مایه اصلی سید ابراهیم سیدخلیل در سرودن منظومه تحف‌القلوب قرار می‌گیرد. این کتاب نسخه خطی بوده و تاکنون به چاپ نرسیده است.

۲- بخشایش، محمدنور. (۱۳۷۲). دیوان محیا. تهران: انتشارات جهان معاصر

چنان که اشاره شد شاعر در ابتدای کار از طبع شعری بهره‌ای نداشت و وقتی به این امر تن در می‌دهد مدت‌ها سر در بحر تفکر فرو برده تا اینکه سحرگاهی از سوی مرشدی کامل طبع شعری به او الهام می‌شود و گره از کارش می‌گشاید:

لیک بودم منتظر الهام غیب	مدتی در بحر فکر و سر به جیب
ناگهان ملهم شدم وقت سحر	داد اذنم مرشد صاحب نظر
گرچه طبع شاعری مارا نبود	لیک اشاره مرشد کامل نمود
چون که الهامم از آن کامل رسید	در نهادم طبع شعری شد پدید
چون شدم از فیض کامل کامیاب	ابتدا شد نظم این نثری کتاب
غیرتی در جان من آمد پدید	همتای اندر دلم ناگه رسید...

به با توجه با متن اشعار به نظر می‌رسد این مرشد کامل که در عالم خواب بر او ظاهر شده سید کامل معروف به سید کامل پیر^۱ از فرزندان شاه سیف‌الله قتال بوده که شاعر مدتها در جوار مرقدش به تهذیب نفس مشغول بوده‌است و بعد از آن واقعه است که سید کنج خلوت گزیده و به کار منظوم ساختن تذکره تحف‌المحبین همت می‌گمارد:

تذکره تحف‌المحبین هم دگر - ۱۵ شهریور ۱۲۴۸	نثر بود و نظم کردم سر به سر
شرح حال حضرت قتال حال	تا به ذریات پاکش از کمال
قدر فهم خود بگفتم مختصر	تا که یابم بهره زان صاحب نظر

سپس به نام کتاب خود اشاره نموده تاریخ نظم کتاب را در ابجد بیان می‌دارد:

نام این کردم یقین تحف‌القلوب	وه چه زیبا باشد و شیرین و خوب
ابتدای نظم این شد از طرب	لیل‌الجمعه بد از ماه رجب
کرده‌ام تاریخ مرغوب این بنا	حق تعالی برده‌د توفیق ما
حرف مرغوب ^۲ را به ابجد برشمر	کز سنه معلوم تو گردد دگر

این مثنوی شامل چهارده باب می‌باشد:

باب اول: ذکر اجداد شاه سیف‌الله قتال از آدم ابوالبشر تا پیامبر خاتم و ائمه هدی که تقریباً همه صفحات جلد اول را در بر می‌گیرد.

باب دوم: ذکر مولود شاه سیف‌الله قتال

باب سوم: شرح حال آن حضرت در معبده^۳

باب چهارم: در فرار از کاظمین و آمدن به جنوب ایران

باب پنجم: در نزول آن حضرت به دشت ماگرد^۴

باب ششم: در ذکر نصایح آن حضرت به اولاد و احفاد

۱- سید فخرالدین یا سید فخرالحق معروف به سید کامل یکی از دوازده فرزند شاه سیف‌الله قتال در سال ۶۲۸ زاده شد. به دلیل اینکه

هنگام تولد موی سرش سفید بود به سید کامل پیر معروف گردید و بعد از فوت پدر جانشین وی می‌گردد.

۲- سال مرغوب به حساب ابجد سال ۱۲۴۸ می‌باشد.

۳- معبده یا به قولی ام‌عبیده از روستاهای بغداد عراق

۴- دشت ماگرد یا دشت مرغاب نام دشتی است در استان فارس که محوطه پاسارگاد را احاطه کرده‌است.

باب هفتم: در وفات آن حضرت

باب هشتم، نهم و دهم: ذکر شرح حال سیدفخرالدین کامل از فرزندان شاهقتال ولی

باب یازدهم: ذکر نسل سیدفخرالدین کامل

باب دوازدهم: ذکر نسل صالح بن کامل

باب سیزدهم: نقل بعضی از مراتب یقین

باب چهاردهم: در نقل فقر خاندان که خود مشتمل بر هفت فصل است:

فصل اول: نقل فقر خاندان شاهقتال

فصل دوم: ذکر خوارق عادت

فصل سوم: در بیان سماع خاندان

فصل چهارم: در معنی باطن

فصل پنجم: در بیان تصوف

فصل ششم: شمه‌ای از احوال شاعر و ناظم این مجموعه ۱ شهریور ۹۲

فصل هفتم: در بیان ختم کتاب

چنان که در ابتدای مقاله اشاره شد اگرچه صفحات پایانی جلد اول این کتاب از بین رفته اما در صفحات مانده، جلد اول با ذکر مناقب امام حسن عسکری^(ع) و امام مهدی^(ع) به پایان می‌رسد.

۲-۲- گزارش جلد دوم

جلد دوم این کتاب به نظر قسمت اعظمی از سبب نظم کتاب را در برداشته یعنی ذکر احوال شاهسیف‌الله‌قتال و فرزند وی سیدفخرالدین کامل که از باب دوم شروع شده و در باب یازدهم خاتمه می‌یابد. متأسفانه با وجود تلاش بسیار در جهت بدست آوردن آن، نسخه‌ای جهت بررسی و ارائه گزارش بدست نیامد.

۲-۳- گزارش جلد سوم

جلد سوم این کتاب که در ۴۲۱ صفحه از باب دوازدهم شروع می‌شود در قطع وزیری به ابعاد ۲۱×۱۶ سانتی‌متر با جلدی آراسته در دسترس است از ویژگی‌های این جلد این‌که این نسخه بر خلاف جلد اول به خط شاعر نوشته شده که هر جا توضیحی لازم بوده توسط شاعر حاشیه‌نویسی شده. خط کتابت این نسخه نسخ می‌باشد که نشان می‌دهد شاعر از هنر خطاطی نیز بی‌بهره نبوده است. سرفصل موضوعات به رنگ قرمز و اشعار اصلی متن به رنگ مشکی تحریر شده هر صفحه شامل بیست بیت می‌باشد که چهارده بیت آن در متن اصلی و مابقی در قسمت بالا، پایین و حواشی راست و چپ نگاشته شده مطالب مربوط به ذکر شجره‌نامه سادات تا روزگار شاعر تقریباً ۲۷۶ صفحه از کتاب را دربرمی‌گیرد فصل هفتم کتاب که در بیان ختم کتاب به عنوان آخرین فصل از باب چهاردهم را شامل می‌شود با مناجات و ذکر منقبت خاتم‌النبین و ذکر تاریخ اتمام کتاب در ماده تاریخ پایان می‌پذیرد:

در ربیع آخر شدم از هفتم

برنوشتم غرس شمس تاریخ سال

فارغ از تحریر این نسخه سیوم

بد دوشنبه کاین شجر یعنی سلال

در جزیره لافت بی شک والسلام
شعرها سربرزد از طبعم بسی
گر به مصراعش شماری سی هزار

بین ظهر و عصر بد کامد تمام
گرچه سنم برگذشت از سال سی
بیت این پانزده هزار است برشمار

بعد از پایان فصل هفتم کتاب شاعر در ادامه به بیان بعضی از حوادث و اتفاقات عصر خود به زبان شعر می‌پردازد هم‌چنین به ذکر ماده تاریخی ساخت و تعمیر بقاع، مساجد، آب‌انبارها، وفات افراد سرشناس اشاره‌ها دارد؛ احکام تجوید و تلاوت قرآن، کیفیت استخاره، سوال و جواب، بیان لغز و چیستان از دیگر مواردی است که در ادامه آمده‌است. هم‌چنین در بخشی از کتاب شاعر از بازنویسی متنی کهنه و مندرس از تفسیر زواهر از تفاسیر قرآن مجید خبر می‌دهد. و نیز در اشعاری از نوشتن کتابی به نام رساله العلیه مشهور به حدیث اربعین و شرح آن خبر می‌دهد.

از مطالعه دیگر صفحات کتاب برمی‌آید که شاعر علاوه بر مثنوی در قصیده، غزل، قطعه، دوبیتی، مخمس و مرثیه نیز مهارت داشته‌است. استفاده از آیات و روایات و نیز نقل بعضی احوال عرفا که در منابع مختلف ادب فارسی وجود دارد از ویژگی‌های اشعار اوست:

از غزلیات اوست:

سواد چین زلفت چین چین است
که خورشیدت به شب دایم قرین است
که در محراب، جای اهل دین است
که خمراً لـذة للشاربین^۱ است
چرا که آن دواى عاشقین است
که آن مرهم نه قلب حزین است
چرا که نافع آهوی چین است
دل و جانم به خندان آفرین است
که آن ماء معین^۲ و انگبین^۳ است
زنخدانت که رشک حور عین است
مشعشع لمعه نور مبین است
که تمثالش نه در روی زمین است
همیشه بهر قتلیم در کمین است

رخ تو عالم آرای یقین است
از این خوش‌تر چه باشد ای دل‌آرام
بتا نشان مرا بر طاق ابرو
مرا از چشم مستت می بنوشان
ز لعل شکرینت بوسه‌ام بخش
قصد سروت در آغوشم بیاری
معطر کن سراپایم ز نافت
چو شیرین شکرین آری به خنده
ز چاه غبغب یک جرعه‌ام نوش
زغن مثل ترنج و غبغبت سیم
بیاض گردنت نور تجلی است
زهی دلبر به این حسن خداداد
کمان ابروان و تیر مژگان

براهیم^۴ چون کند چه چاره سازد
که با هجران دلبر همنشین است

از مثنویهای او در بیان خرق عادت و شرح حدیث نبوی:

۱ و ۲ - اشاره به آیه ۱۵ سوره محمد

۳ - تخلص شاعر که گاهی به صورت براهیم و گاهی به صورت ابراهیم می‌آمده‌است.

لی مع الله وقت لا یسعی فیہ ملک مقرب و لا نبی مرسل

واضح است معنای این لفظ در
با خدا وقتی — را آید پدید
نی نبی — مرسل و نه قدسیان
داده ز استغراق خود خیرالبشر
چون که خود بحری بد آن سلطان دین
باز در دیگر این جا سفته است
باز می فرماید اندر وجد حال
یعنی هستم احمد نی احمد
این دو حرف اظهار شد زان شاه دین

نمونه‌ای از دوبیتی‌ها:

آن که فرمود آن شه شق القمر
کاندر آن حالت نماند هیچ دید
اندر آن حالت ننگجد در میان
اولیای امتان خود خبر
خرق عادت زو شده ظاهر یقین
من رأی قد و ای الحق گفته است
احمد بی میم هستم از کمال
از دویی دو رو به کلی سرمد
که طریق اولیا باشد چنین

دانشگاه زنجان

ولم از چین و ماچین بستده باج ۱۳- ۱۵ شهریور ۹۲ زده پا بر براق و کرده معراج
گذشت از لامکان یار ابراهیم

قسم بر طاق ابروی مه بدر
رخمی بنما به ابراهیم که یابد
به آیات شریف لیلہ القدر^۳
سلام فیہ حتی مطلع الفجر^۴

با عنایت به این اثر و سایر آثار مشابه می‌توان یقین پیدا کرد که ادبیات به خصوص زبان شعری آن از دیرباز در جای
جای زندگی عادی مردم این مرزوبوم ساری و جاری بوده و هنوز هم نسخه‌های خطی بسیاری مشابه این نسخه خطی در
کنج پستوها و گنجه‌های منازل روستاییان خاک می‌خورند و در انتظار تصحیح و چاپ به‌سرمی‌برند چه بسیار آثاری که در
گذر زمان از بین رفته و چه بسیار دیگر که در شرف نابودی‌اند برمانست که به شیوه‌های مختلف این قبیل آثار را دریابیم و
در تصحیح و انتشار آن‌ها همت به خرج دهیم.

یکی از علومی که در گذشته‌های دور مورد توجه بوده و متأسفانه اکنون بدان اهمیتی داده نمی‌شود علم‌الانساب یا
شجره‌شناسی است که در قسمت اعظم این منظومه بدان پرداخته شده است. ادبیات کهن ما سرشار از این گونه علومی است
که بازشناسی و معرفی آن از وظایف همه دانش‌پژوهان و دانشجویان ادب پارسی است.

در پایان از همه دانش‌پژوهانی که به نسخ دیگر این اثر از جمله جلد دوم آن دسترسی دارند تمنا می‌شود در خصوص
بازنویسی و پردازش آن همت به خرج داده یا در صورت امکان در اختیار نگارنده این مقاله قرار داده تا با رعایت اصل امانت-
داری نسبت به تصحیح و انتشار این کتاب ارزشمند اقدام شود.

۱- ول به کسرواو به معنی یار و محبوب

۲- اشاره است به آیه ۷۰ سوره اسرا

۳- اشاره است به سوره قدر

۴- همان

منابع و مأخذ:

- (۱) قرآن کریم
- (۲) بخشایش، محمدنور. (۱۳۷۳). دیوان محیا. تهران: جهان معاصر
- (۳) بنی عباسیان بستکی، محمد اعظم. (۱۳۳۹). تاریخ جهانگیریه و بستک. تهران: [بی‌نا]
- (۴) تقوی، کرامت‌الله. (۱۳۸۷). جغرافیای تاریخی کاریان. تهران: نشر همسایه
- (۵) حبیبی، احمد. (۱۳۷۰). محیا شاعری از جنوب. شیراز: انتشارات نوید
- (۶) دهخدا، علی اکبر. (۱۳۲۵). لغت‌نامه. تهران: دانشگاه تهران
- (۷) علی بن حمدی. تذکره تحف‌المحبین (نسخه خطی)

